

آوردگاه مورچه خورت

علاءالدین آذری دمیچی
دکتر در تاریخ - استادیار گروه تاریخ
دانشگاه اصفهان

دولت، الله قلی سلطان کنگرلورا باجمعی از امراء بجهت حراست شهر اصفهان فرستادند چون ایشان قدم بولایت اصفهان نهادند امراء ارشلو که یاغی بودند خبر آمدن ایشان شنیده در مورچه خورت اصفهان بر سر ایشان ریخته الله قلی سلطان و میرزا هدایت نجم ثانی و چند نفر دیگر از اعیان ترک و تاجیک را گرفته بمیان خود بردند حضرات ارکان دولت در کاشان از وقوع این حالات بی آرام گشته در تسخیر قلعه کاشان بیشتر از بیشتر سعی نمودن گرفتند»^۱

در کتاب زندگانی شاه عباس اول، نامه ای از این پادشاه خطاب به وزیر اصفهان میرزا محمد نیشابوری ذکر شده که مضمون آن عبارت از اینست که مردم ماربانان برای ارامنه ساکن شهر مزاحمت‌هایی ایجاد کرده بودند و این موضوع باعث خشم شاه صفوی یا مرشدکل شده بود، شاه ضمن تأسف از این مسئله از مردم مورچه خورت سخن میگوید و اشاره میکند که آنها نیز نسبت به میهمانان خود بدی روا داشته بودند و مجازات شدیدی دیدند. اما قسمتی از آن نامه :

«بسیار بسیار بد کرده‌اند، از تو بغایت الغایت عجب بود چه . . . مردم ماربانان نکرده است، ایشان را از مردم مورچه خورت بیندیشد که بامیهمانان بد برمیخورند، آن بر سر ایشان آوردیم که دیدی . . .»^۲

در سفرنامه تاورنیه ضمن بحثی مختصر پیرامون کاروانسراها از مورچه خورت تحت عنوان می‌شیاکور نام برده

دگر باره مانند افسر سیاب
کشیده‌ست لشکر فزون از حساب
پی رزم و پر خاش آن کینه‌دار
رسیدست تا قریه مورچه خوار^۳

در فاصله پنجاه کیلومتری اصفهان یا یک منزلی این شهر^۲ در میان دشتی وسیع که اطراف و جوانب آنرا کوهها و تپه‌های مرتفعی احاطه کرده است قصبه‌ای وجود دارد که مورچه خوار یا مورچه خورتش نامند^۳ وجه تسمیه آن معلوم نیست، اهل محل مورچه خوار گویند و در کتب تاریخ و سیاحتنامه‌ها به هر دو نام از آن یاد شده است، در الواح متعددی که در مسجد جامع اصفهان موجود است در برخی از آنها نام این قریه ذکر شده منجمله در فرمان شاه تهماسب اول صفوی مبنی بر بخشش دو هزار تومان مالیات اصفهان و توابع و همچنین در فرمان دیگری از همین پادشاه که مضمون آن تخفیف و تصدق مالیات اصناف اصفهان مورخ سال ۹۷۱ هجری . . .^۴ در هر دو فرمان نام قریه مذکور مورچه خورت ذکر شده نه مورچه خوار.

مؤلف کتاب عالم‌آرای عباسی در ذکر احوال شاه محمد خدابنده (پدر شاه عباس اول) یا بقول مؤلف شاه سلطان محمد از واقعه شورش امراء ارشلو صحبت بمیان آورده و از مورچه خورت یاد کرده است :

«میرزا احمد وزیر باجمعی فرار نموده پریشان حال به کاشان رسیده حقایق حالات عرض نمودند حضرات ارکان

شده و بر طبق نوشته همین جهانگرد این قصبه دارای کاروانسراهای متعدد بوده است^۷ در سال ۱۱۹۹ هجری قمری علی مرادخان زند که بعد از صادقخان پیداشاهی رسیده بود و گروهی از مورخان او را رقیب سرسخت و هموار آغا محمدخان میدانستند در این قصبه دیده از جهان فرو بست مؤلف رستم التواریخ در این باب گوید: «پس پادشاه و الاجاء یعنی وکیل الدوله جم اقتدار ثانی دستگاه ملوک صفویه علیمرادخان زند مذکور در سال یکهزار و صد و نود و نه هجری در تخت روان زرنگار پادشاهی یک منزل باصفاهان مانده در قریه مورچه خورت طایر روحش از قفس بدن پرواز و طیران و آشیانه و مقام بر شاخسار طوبی جنان جاودان نموده و بنغمه کل شئی هالک الاوجه مترنم گردید...»^۸

ادوار براون در کتاب یکسال در میان ایرانیان از مورچه خورت نام برده و آنرا قصبه‌ای بزرگ ولی غیر قابل توجه ذکر کرده است نویسنده و محقق مذکور یاد آور شده است که چون کاروانسرای این آبادی قابل سکونت نبوده در چاپارخانه اقامت گرفته است^۹

بالاخره لرد کرزن از کاروانسرای مورچه خورت که با آجر بر پایه سنگی ساخته شده صحبت میدارد و معتقد است که به امر مادر شاه عباس ساخته شده است وی قریه مزبور را از دور بشکل علفزار باریکی مشاهده کرده است^{۱۰} اما آنچه از مورچه خورت قدیم هم اکنون برجای مانده عبارتست از قلعه‌ای بزرگ و مرتفع که مشرف بردشت وسیع اطراف است و کاروانسرا و آب‌انبار عباسی بقعه‌های دو امامزاده...^{۱۱}

قلعه قدیمی مورچه خورت که تاریخ بنای آن درست معلوم نیست وزمانی مرکز یاغیان و گردنکشان بوده است در این ایام در حال نابودی میباشد. در این قلعه کوچه‌های تنگ و تاریک و مسقف با منازل مخروطه و نیمه مخروطه و یک باب حمام قدیمی که قسمتی از سقف آن فرو ریخته و طاق‌ها وطاقنماهای متعدد وجود دارد از سطح فوقانی حمام که گفتیم رو بویرانی است ساکنان معدود قلعه بصورت کوره راهی میگذرند و هر آن بیم سقوط آنها بداخل حمام میروند. در سایه روشن معابر خوفناک این قلعه افرادی میگذرند که از دور همچون اشباح و هیاکل افسانه‌ای بنظر میرسند بعقیده نگارنده برای تهیه فیلم‌های جنائی و دلهره آور باید باین قلعه مراجعه کرد!

در قلعه مورچه خورت بقعه امامزاده علی یا شاهزاده علی قرار دارد که گنبد مخروطی شکل آن از دور جلوه گری میکند. لازم است گفته شود که قلعه مزبور دارای ۸ برج و سه در ورودی و خروجی است دیواره آن گلی و خشتی و بمبرور ایام از ارتفاع آن کاسته شده است از پیرمردی در کنار یکی

از درها پرسیدم پدر! اینجرا کی ساخته؟ گفت از زمان بابا بزرگ‌های ما بودست! چند یاغی و راهزن گهگاه در این قلعه جاخوش میکردند و در مقابل قوای دولت مدتها مقاومت و پایداری مینمودند، در دیواره‌های فوقانی سوراخها و منافذ متعددی تعبیه شده که از آنجا بسوی دشمن تیراندازی میکردند. در این قلعه بیست الی بیست و پنج خانوار سکونت دارند و بکشاورزی و مشاغل دیگر مشغولند جمعیت قلعه سابقاً بیشتر بود ولی مردم بمبرور ایام با سفر بستند و برای همیشه مورچه خورت و قلعه آنرا ترك گفتند، با خودیاری مردم آب لوله‌کشی قصبه بداخل قلعه نیز راه یافته و مورد استفاده ساکنان آن قرار میگردد. در خارج از قلعه در سالهای اخیر منازل و مؤسسات دولتی و خیریه و مدارس و مغازه‌های متعددی ایجاد شده است و دیرزمانی نیست که کارخانه برق باین قصبه آورده شده و مورچه خورت را برخلاف گذشته شب‌هنگام روشن و نورانی می‌بینیم، جا دارد باین قصبه که این اندازه دارای قدمت تاریخی است توجه بیشتری شود و در راه عمران و آبادی آن اقدامات وسیعتری انجام گیرد.

اما آنچه که باعث شده است نام مورچه خورت بلند آوازه

۱- نقل از شاهنامه نادری - محمد علی طوسی مشهور بفردوسی ثانی بتصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری ص ۶۱ - تذکر: شاعر در خدمت نادر بوده و در بسیاری از جنگهای وی حضور داشته است.
۲- برخی از وقایع نگاران مورچه خورت را در یک منزلی اصفهان ذکر کرده‌اند.

۳- مورچه خار نیز ذکر شده است.

۴- نقل باختصار از گنجینه آثار تاریخی اصفهان - دکتر لطف‌الله هنرفر ص ۸۸ و ۱۵۷.

۵- ر. ک. به عالم آرای عباسی - اسکندر بیگ منشی ص ۳۶۰.

۶- ر. ک. به زندگانی شاه عباس اول مجلد سوم - نصرالله فلسفی ص ۲۱۲-۲۱۳.

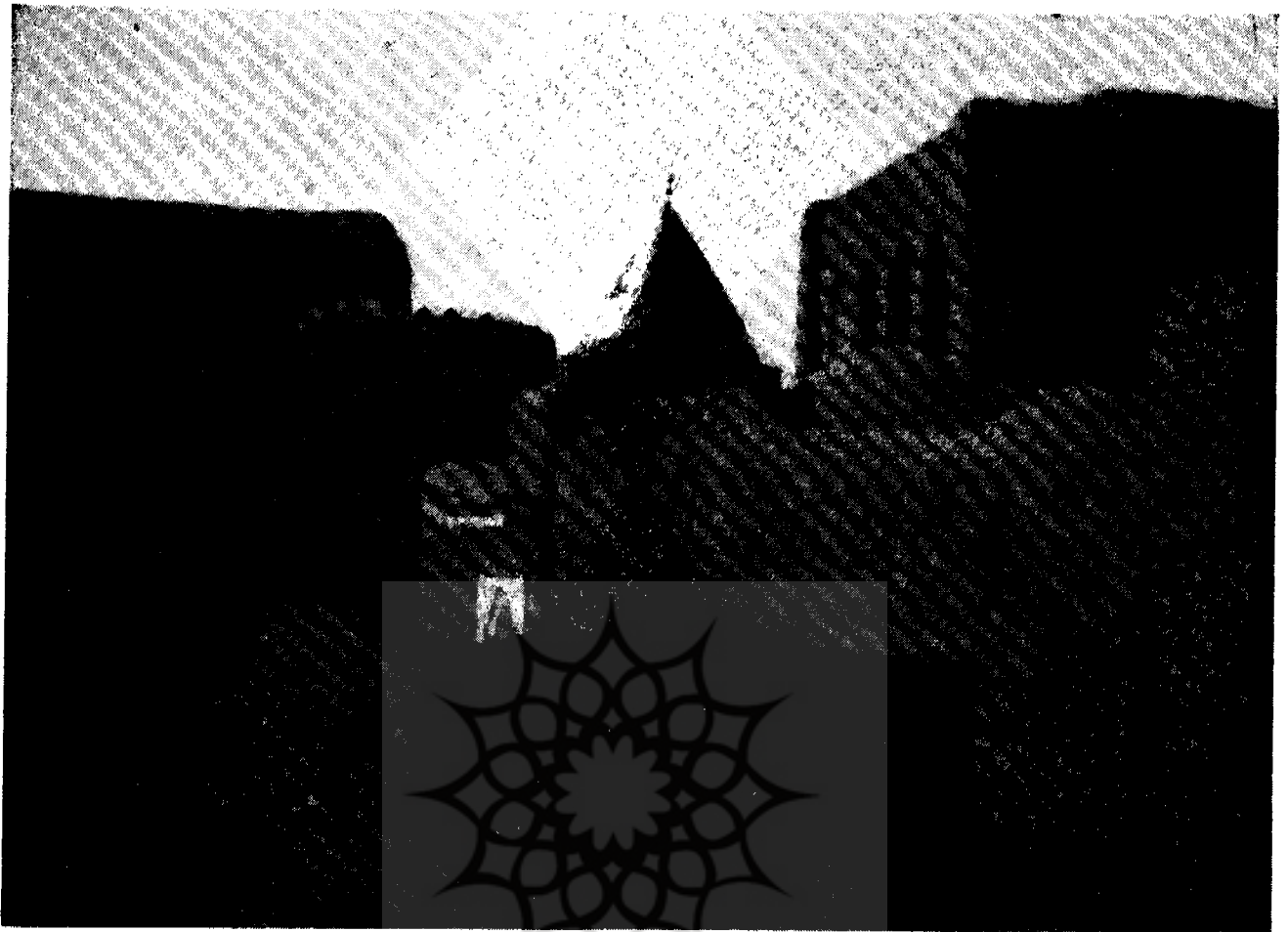
۷- سفرنامه تاورنیه ترجمه ابوتراب نوری ص ۸۸.

۸- ر. ک. به رستم التواریخ - محمد هاشم آصف (رستم الحکما) به اهتمام محمد مشیری ص ۴۴۶.

۹- ر. ک. به یکسال در میان ایرانیان - ادوارد براون ترجمه ذبیح‌الله منصوری ص ۱۸۲.

۱۰- ر. ک. به کتاب ایران و قضیه ایران ج ۲ ص ۲۱ و ۲۲.

۱۱- بر دیوار شمالی سردر کاروانسرای مورچه خورت کتیبه ذیل از دوره محمدشاه قاجار بخط نستعلیق برجسته بسال ۱۲۵۱ هجری حجاری شده است: «بلعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود کسی که طلب مغفرت از برای نایب السلطنه مرحوم (منظور عباس میرزا است) نفرستد و دعا بدولت قبله عالم نکند و بدعتی که در مورچه خار بود بجهت تنگنجی بود موقوف (کذا) هر که یکدینار بگیرد صد دینار بدهد نسق بشود ۱۲۵۱». (نقل از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۸۶۳).



قلعه مورچه خورت - بقعه امامزاده علی (عکس از نگارنده)

و استعداد تمام، و احتشاد و احتشام مالاکلام طریق مقابله سپرد در مورچه خورت نزول افکنده دو فرسخ مابین فریقین فاصله بود...»^{۱۲}

قبلاً اشاره شد که در اطراف قریه مورچه خورت تپه‌های مرتفعی وجود دارد و دشت و صحرا در این قسمت بوسیله این مرتفعات از دشت اصفهان جدا میشود بنابراین برای جلوگیری از پیشرفت قوای سلحشور نادر، اشرف افغان تصمیم گرفت از استحکامات طبیعی این تپه‌ها بهره گیرد و سپاهیان و توپخانه خود را در اینجا مستقر سازد. او قصد داشت در این جنگ جنبه تدافعی پیش گیرد و با استتار توپخانه و سوار نظام مقتضی ضربه کاری را سپاهیان نادر وارد سازد.

وقتی قوای نادر بمورچه خورت نزدیک شد در فاصله نسبتاً دوری از دشمن (دو فرسخ مابین فریقین فاصله بود - جهانگشای نادری ص ۱۰۲) اردو زد و بوسیله جاسوسان و تنی چند از اسرای خصم از تدارک مفصل اشرف مستحضر

گردد، نبرد بزرگ نادر با اشرف غاصب است که در تاریخ ایران باید آنرا در شمار جنگهای قطعی و تعیین کننده بحساب آورد چه باین جنگ پایتخت آترمان ایران (اصفهان) گشوده شد و امید اشرف در حفظ تاج و تخت مبدل بی‌أس گردید. اهمیت این نبرد بیشتر از آنجهت است که شاه مزبور با توجه بنحوه جنگیدن نادر و سپاهیان و تجاربی که در دو پیکار گذشته (مهماندوست دامغان و سردر خوار) بدست آورده بود، در مورچه خورت آرایش جنگی آنها را تقلید و بکار بسته بود از طرفی عثمانیها در این آوردگاه باو یاری و مدد می‌رسانند و بر آن بودند که نگذارند دست نشانده آنها مغلوب و منهزم گردد این معنی را جهانگشای نادری خوب بیان کرده است: «اشرف غلیجایی چون پیش از وقت، از سر عسکر روم که در همدان میبود استمداد نموده، سرعسکر نیز چند نفر از پاشایان جلیل‌الشان را با جمعیت شایان، بمعاونت او روانه ساخته بود. ایندفعه رومی‌ها نیز رفیق عزیمت ساخته با کوبه

گردید سردار دلاور افشار نقشه جنگی تازه‌ای طرح کرد و بر آن شد بدون برخورد با قوای دشمن از قسمتی از تپه‌ها که فاقد مدافع است قوای خود را عبور داده و باصفهان بتازد این امر موجب میشد که اشرف برای جلوگیری از تصرف اصفهان از نقشه تدافعی خود چشم‌پوشد و بتعرض بپردازد در نتیجه طرفین همانند جنگهای گذشته درگیر می‌شدند و با روحیه خوبی که قوای نادری داشتند شکست در اردوی اشرف می‌افتاد و ضمناً محل استتار توپخانه خصم نیز افشاء میگردد.

سپیده دم روز بیستم ماه ربیع‌الثانی سال ۱۱۴۲ هجری قمری این نقشه ماهرانه طهماسب‌قبلی خان^{۱۳} بر حله اجرا درآمد اشرف غلجائی و یارانش که مراقب اردوگاه خویش بودند از مانورهای سپاهیان نادر به هراس افتاده و تصمیم بمدافعه گرفتند. بفرمان نادر لشکریان سه‌دسته منقسم شده و هر یک برای اجرای هدفهای خود عازم میدان جنگ گردیدند یک‌دسته از تفنگچیان مأموریت یافتند که محل توپخانه‌های دشمن را کشف و تصرف نمایند اجرای این امر کار دشوار و خطرناکی بود با اینحال پیشرفت این عده سبب شد که بدستور اشرف توپها آتش خود را بگشایند و بدین ترتیب محل تمرکز خود را افشا نمایند پس از آن گروهی از جانبازان ارتش نادری با دادن تلفات سنگینی بمحل توپخانه‌ها نزدیک و موفق بتصرف توپها و نابودی توپچیان شدند، سردار بزرگ اشرف موسوم به سیدال^{۱۴} که در کینگاه آماده پیکار بود پس از این واقعه ناگهان بر سر سپاهیان نادر ریخت اگر بیداری و دوراندیشی نادر و کمک بموقع او نبود بیم آن میرفت که گروهی از رزمندگان وی نابود گردند و شاید سرنوشت جنگ تغییر مییافت. «سیدال با فوجی عظیم از پشت سر لشکر ظفر شعار، و جمعی از افاغنه هم از سمت دیگر بجانب قول همایون حمله‌ور گشتند و آتش ضرب و حرب افروختند اما لطف جناب باری، و اقبال خدیو کامگار مدد کاری و دلیران چیره‌دست ساقه پایداری کرده، بسیاری از ایشان را از کسوت حیات عاری و تتمه را مرحله پیمای وادی ذلت و خواری ساخته، اسباب نصرت اندوختند»^{۱۵}.

با تصرف توپخانه دشمن حملات قشون نادری با حرارت بیشتری دنبال شد و مواضع و استحکاماتی که اشرف آنهمه بآن دل بسته و امیدوار بود یکی پس از دیگری اشغال گردید، شاه نگون بخت که از کمک عثمانیان نیز در این پیکار بزرگ طرفی نبسته بود پیکار دیگر همچون گذشته تصمیم بفرار گرفت «والا جاه اشرف... و لشکرش مانند گله گور که از شیران نر فرار نمایند از رزم نادر قلیخان قرخلوی سیه‌دار جهان پهلوان و سپاهش گریز نمودند و بجانب شهر اصفهان شتافتند با هزار گونه سهم و خوف و تشویش و چنان مشوش و مضطرب بودند که و الاجاه اشرف شاه... دادگستر مملکت پرور بخت

برگشته مذکور عمامه‌اش بر حلق مبارکش افتاده بود! و بهمین هیئت داخل شدند»^{۱۶}.

پس از فراز اشرف خیمه و خرگاه و لوازم شخصی او و سردارانش بچنگ سپاه نادری افتاد تصرف اینهمه غنائم که بقول مؤلف جهانگشا قیمت آن از میزان قیاس بیرون بود امکان داشت سربازان را از تعقیب دشمن بازدارد و تصرف مال دنیا آنها را حتی بیجان هم اندازد، نادر که باین مسئله پی برده بود امر داد تا تمام غنائم را درجائی گرد آورند و آنگاه هم‌را طعمه حریق سازند دستور او بلادرنگ اجرا شد و سپاهیان که در آوردگاه مورچه‌خورت برای نابودی دشمن جان برکف نهاده بودند دیگر بار آمادگی خود را برای بیرون راندن خصم از سرزمین خویش اعلام داشتند.

مالش دشمن ارهمی خواهی

باید اول شوی تو دشمن مال

زانکه منقول اهل عقل بود

دشمن مال هست دشمن مال

در روز بیست و سوم ربیع‌الثانی سال ۱۱۴۲ نادر و یارانش عازم اصفهان شدند البته قبل از ورود او باین شهر اصفهانیا و وظیفه خود را بنحو اکمل بانجام رسانده بودند باین معنی که تا قبل از پیکار نادر «اصفهانیان که از مرده افغان میگریختند، ایشان را بشمشیر و کارد و تیر روانه ملک عدم ساختند»^{۱۷}.

در پایان این گفتار اشعاری را که شاعر دربار نادر در وصف این پیکار خونبار سروده است باختصار ذکر مینمائیم:

«محاربه نمودن صاحبقران بار دوم با اشرف بدکار»

در مورچه خوار

دو عالم سپاه قیامت اثر

مقابل چو گشتند با یکدیگر

۱۲- ر. ک. به جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدیخان استرآبادی باهتنام سید عبدالله انوار - تهران ۱۳۴۱ ص ۱۰۲.

۱۳- لقب نادر - ندر قلی که شاه تهماسب دوم باو اعطاء کرده بود.

۱۴- سیدال - سیدال (در کتاب نبردهای بزرگ نادر شاه سیدآل نوشته شده).

۱۵- جهانگشای نادری ص ۱۰۵.

۱۶- رستم‌التواریخ ص ۱۸۹.

۱۷- ایضاً جهانگشا ص ۱۰۶.

- ۲ - شاهنامه نادری - محمد علی طوسی مشهور
بفردوسی ثانی به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری .
- ۳ - جهاننگشای نادری تألیف میرزا مهدیخان استر
آبادی با اهتمام سید عبدالله انوار تهران ۱۳۴۱ .
- ۴ - نبردهای بزرگ نادرشاه بقلم سرلشگر غلامحسین
مقتدر .
- ۵ - زندگانی شاه عباس اول - مجلد سوم - نصرالله
فلسفی .
- ۶ - تاریخچه نادرشاه تألیف مینورسکی ترجمه رشید
یاسمی .
- ۷ - نادرشاه از نظر خاورشناسان - دکتر رضازاده شفق
- ۸ - رستم التواریخ - محمد هاشم آصف (رستم الحکما)
به اهتمام محمد مشیری .
- ۹ - انقراض سلسله صفویه تألیف لارنس لکهارت
ترجمه مصطفی قلی عماد .
- ۱۰ - دره نادری - میرزا مهدیخان استرآبادی با اهتمام
دکتر سید جعفر شهیدی .
- ۱۱ - ایران وقضیه ایران - لرد کرزن - ترجمه
وحید مازندرانی .
- ۱۲ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان - دکتر لطف‌الله
هنرفر چاپ دوم .

خسک در ره آشتی ریختند
لوای عداوت برانگیختند
برانگیخت بس گرد ستم فرس
گره در گلو شد نوای جرس
ز آهـد شد تیر خارا گذار
سپر چون زره گشت در کارزار
ز فریاد توپ قیامت نهاد
ترلز بارکان عالم فتاد
زخمپاره آنسان جهان گشت تار
که خیزد ز دریای آتش بخار
شد از شعله توپ آتشفشان
چو گلخن پر آتش زمین وزمان
سر نیزه از بسکه بر دل خلید
چو مژگان خونریز خوبان خمید
ز ضرب تبرزین کله خود زر
نمودی ز چندین جهت ترکسر
شجاعان افغان از آن رستخیز
چو روبه نهادند رو در گریز
ز دنبال ایشان بشمشیر کین
شتابنده گشتند اصحاب دین
ز بس کشته افتاد در دشت کین
زمین متصل شد بچرخ برین! ۱۸

منابع مورد استفاده این مقاله

- ۱ - تاریخ نادرشاهی (نادرنامه) تألیف محمد شفیع
تهرانی (وارد) به اهتمام رضا شعبانی تألیف در سنوات ۱۱۵۰ -
۱۱۵۲ .
- ۱۳ - سفرنامه ناورنیه ترجمه ابوتراب نوری .
- ۱۴ - یکسال در میان ایرانیان - ادوارد براون ترجمه
ذبیح‌الله منصوری .
- ۱۸ - شاهنامه نادری ص ۶۱ تا ۶۵ .

